

تحلیل ژئوپلیتیکی حاکمیت دریایی ج.ا.ایران در خلیج فارس و تنگه هرمز

دکتر فریبرز احمدی دهکاء

استادیار دانشگاه پیام نور

چکیده:

مرزهای دریایی از مباحث مهم در جغرافیای سیاسی می‌باشد. هر کشور ساحلی به علت ارتباط مرز دریایی با کشورهای مجاور، جهت اعمال حاکمیت بر قلمرو دریایی و تحدید حدود خود با دیگران تلاش می‌کند. ایران اولین بار در سال ۱۳۱۳ با تصویب قانون مرزهای دریایی نسبت به اعمال حاکمیت بر قلمروهای دریایی خود در خلیج فارس اقدام کرد. با وجود کرانه ساحلی زیاد ایران در خلیج فارس، ابعاد حاکمیتی مرزهای دریایی ایران با کشورهای عراق، کویت، امارات متحده عربی تحدید حدود نگردیده است که خود موجب چالش‌های سیاسی فراروی امنیت ملی ایران با همسایه‌های عربی خود بوده است. این مقاله به دنبال بررسی ابعاد حاکمیتی و تعیین آن در خلیج فارس و تنگه هرمز است. لذا روش این پژوهش کتابخانه‌ای و نوع پژوهش نیز از نوع کاربردی بوده است. برای بررسی بایستی کنوانسیون‌های حقوقی بین‌الملل را مورد تحلیل محتوا قرار داده و سپس به تحلیل محتوای قوانین داخلی در باب حاکمیت ایران در خلیج فارس پرداخت. سپس به تحلیل و شناخت چالش‌های حاکمیتی فراروی ج.ا.ایران پرداخته می‌شود. این مقاله مستخرج از طرح پژوهشی « بررسی ابعاد حاکمیتی جمهوری اسلامی ایران در خلیج فارس و تنگه هرمز » با حمایت مالی دانشگاه پیام نور می‌باشد.

کلید واژه‌ها: حاکمیت دریایی، خلیج فارس، تنگه هرمز، ایران

۱- مقدمه:

حاکمیت، یکی از اساسی‌ترین مفاهیم مرتبط با شکل‌گیری و دوام دولت - کشور است، که به صلاحیت‌ها و اقتدار دولت-کشور جنبه مشروع و عینی می‌بخشد. این مفهوم دامنه اعمال اقتدار نظام سیاسی و نهادهای حاکم در درون کشور و در روابط خارجی را تعیین می‌کند. عرصه حاکمیت کشورها علاوه بر مرزهای سیاسی خشکی در مرزهای سیاسی آبی نیز راه یافته است. در محیط دریایی، کشورهای ساحلی بعد از خطوط مبدأ بر مناطق دریایی صلاحیت دارند. برخی اختیارات و حقوق برای کشورهای ساحلی و غیرساحلی و همچنین تعهدات آن در مقابل همدیگر و جامعه بین‌المللی در موازین حقوق دریاها مقرر شده است. مقاله حاضر به بررسی ابعاد حاکمیتی جمهوری اسلامی ایران در خلیج فارس و دریای عمان پرداخته است. با وجود کرانه ساحلی زیاد و منابع عظیم انرژی ایران در خلیج فارس، ابعاد حاکمیتی مرزهای دریایی ایران با کشورهای عراق، کویت، امارات متحده عربی تحدید حدود نگردیده است که خود موجب چالش‌های سیاسی فراروی امنیت ملی و منافع ملی ایران با همسایه‌های عربی خود بوده است.

لذا بایستی جهت حفظ منافع ملی و همچنین مقابله با تهدیدات نظامی و امنیتی کشور در خلیج فارس و دریای عمان، ابعاد حاکمیتی کشورمان در ارتباط با قلمرو دریایی با نگاه به قوانین بین المللی دریاها بسته و نیمه بسته و با نگاهی واقع گرایانه از رویکردهای حقوق و روابط بین الملل مشخص گردد. با توجه به طرح موضوع، پژوهش حاضر به دنبال پاسخ دادن و درکی صحیح از وضعیت حاکمیت موجود و مطلوب ایران در خلیج فارس است و در راستای شناسایی چالش‌ها و فرصت‌های پیش روی ایران در ابعاد حاکمیتی خود در خلیج فارس، تنگه هرمز می-باشد. پژوهش حاضر اهدافی هم چون شناخت رویکردهای حاکمیتی فعلی ایران در منطقه، شناخت عوامل تاثیرگذار بر بعد حاکمیتی ایران در خلیج فارس و تنگه هرمز و همچنین شناخت چالش‌ها و فرصت‌های حاکمیتی ایران در خلیج فارس و تنگه هرمز در راستای کمک به تصمیم‌گیران جهت افزایش ضریب حاکمیتی ایران را پیگیری می-نماید.

قوانین مناطق دریایی

پس از جنگ جهانی اول و با تشکیل جامعه ملل، اولین کنفرانس حقوق دریاها در سال ۱۹۳۰م. در شهر لاهه تشکیل شد که به هیچ گونه تفاهمی دست نیافت ولی از جهت طرح بحث‌ها و قرار گرفتن به عنوان مقدمه مباحث بعدی مفید بود. سازمان ملل متحد نیز با تشکیل دو کنفرانس در سالهای ۱۹۵۸ م. و ۱۹۶۰ م. تلاش کرد تا به اتفاق نظری در مورد حقوق بین الملل دریاها دست پیدا کند. در کنفرانس ۱۹۵۸ چهار کنوانسیون در مورد دریای سرزمینی و منطقه نظارت، دریای آزاد، ماهیگیری و حفظ منابع جاندار دریای آزاد و همچنین فلات قاره به تصویب رسید. همه دولت‌ها به این کنوانسیون‌ها ملحق نشدند به علاوه نارضایتی‌هایی در مورد آن‌ها وجود داشت و نیز مسائلی مانند عرض دریای سرزمینی مورد توافق قرا نگرفته بود؛ لذا در ۱۹۶۰ کنفرانس دوم حقوق دریاها تشکیل شد که آن هم نتوانست به توفیقی دست یابد (مقتدر، ۱۳۷۷، ص ۱۶۴). ریشه کنفرانس سوم حقوق دریاها در واقع کمیته ویژه بستر دریاها بود که در سال ۱۹۶۷ توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد برای بررسی مسأله بستر اعماق دریا در ماورای محدوده صلاحیت ملی بر فلات قاره و متعاقب پیشنهاد دکتر آروید پارادو^۱، سفیر مالت (در سازمان ملل)، تشکیل شد (چرچیل و لو، ۱۳۸۷، ص ۲۷). آروید پارادو اعلام کرد: در ماورای حوزه صلاحیت دولت‌های ملی، دریا به کسی تعلق نداشته باشد و یک منطقه جهانی محسوب شود و عواید حاصل از آن به نفع بشریت و بخصوص کشورهای فقیر مصرف شود. در واقع او نظریه میراث مشترک بشریت در قلمرو دریاها و اقیانوس‌ها را به جهانیان و سازمان ملل اعلام کرد (Glassner, 1993, 474). کنوانسیون ۱۹۸۲م. حقوق دریاها، نتیجه سومین کنفرانس حقوق دریاها از سوی سازمان ملل متحد است که بنا به درخواست کشورهای در حال توسعه که اکثر آنها در تدوین عهدنامه‌های ۱۹۵۸م. ژنو شرکت نداشتند تشکیل گردید. اولین اجلاس کنفرانس سوم بین‌المللی حقوق دریاها از سال ۱۹۷۳م. در شهر نیویورک آغاز به کار کرد. این کنفرانس، ۱۱ جلسه داشت که در روز آخر با تدوین و تصویب عهدنامه‌ای جدید در زمینه حقوق دریاها به کار خود پایان داد و از دهم دسامبر ۱۹۸۲م. آنرا برای امضای کشورها و برخی از سازمان‌های بین‌المللی در شهر مانتیگویی جامائیکا مفتوح گذاشت (ضیائی بیگدلی، ۱۳۸۱، ص ۲۷۵). کنوانسیون ۱۹۸۲م.

^۱ Dr. Arvid Pardo

حقوق دریاها، شامل ۳۲۰ ماده و ۹ پیوست می‌باشد که تمامی موضوعات مربوط به دریاها، از تعیین حدود تا نظارت محیط زیستی، تحقیقات علمی، فعالیت‌های تجاری و اقتصادی، فن‌آوری و حل و فصل اختلافات مربوط به دریاها را شامل می‌گردد (کنوانسیون حقوق دریاها "مصوب ۱۹۸۲"، ۱۳۸۳، ص ۷). متن نهایی کنوانسیون و ضمیمه مربوط در ۳۰ آوریل ۱۹۸۲م. در مقر سازمان ملل متحد با اکثریت آراء، ۱۳۰ رأی موافق و ۴ رأی مخالف (امریکا، رژیم صهیونیستی، ونزوئلا و ترکیه) و ۱۷ رأی ممتنع (اروپای شرقی) به تصویب رسید و قرار شد در یک اجلاس نهایی نیز به امضای کشورها برسد که در دهم دسامبر ۱۹۸۲ در شهر مانتیگویی جامائیکا بیش از ۱۲۰ کشور آنرا امضاء کردند؛ ولی از آنجایی که این کنوانسیون همانند هر معاهده دیگری بر اساس الزامات ملی و قانون اساسی هر کشوری باید به تصویب قوه مقننه برسد، باید پس از انجام این مرحله دولت‌ها سند الحاق را به مقام امین کنوانسیون و دبیر کل سازمان ملل متحد تسلیم کرده و به ثبت می‌رسانند (حافظ نیا، ۱۳۸۴، ص ۳۷۹-۳۸۰). با این حال زمینه برای لازم‌الاجرائی شدن کنوانسیون ۱۹۸۲م. حقوق دریاها، ۱۱ سال پس از تصویب آن، یعنی در ۱۶ نوامبر ۱۹۹۳م. فراهم شد. زیرا در این تاریخ شصتمین کشور، کنوانسیون ۱۹۸۲م. حقوق بین‌الملل دریاها را برای خود به تصویب رساند. در ادامه طبق ماده ۳۰۸ این کنوانسیون که باید دوازده ماه پس از تصویب شصتمین کشور، لازم‌الاجرائی می‌شد، این اتفاق در ۱۶ نوامبر ۱۹۹۴م. رخ داد و به صورت رسمی کنوانسیون ۱۹۸۲م. حقوق بین‌الملل دریاها لازم‌الاجرائی شد (مانتانو، ۱۳۷۹، ص ۲۲۴). در نهایت در ۲۸ ژوئیه ۱۹۹۴م. موافقت‌نامه‌ای شامل یک مقدمه، ۱۰ ماده و یک ضمیمه با تغییراتی در فصل یازدهم کنوانسیون ۱۹۸۲م. حقوق دریاها، مربوط به مبحث «میراث مشترک بشریت» به تصویب رسید. این موافقت‌نامه جزء لاینفک کنوانسیون است و در صورت مغایرت با مقررات کنوانسیون ۱۹۸۲م. حقوق دریاها، مقررات موافقت‌نامه حاکم و معتبر خواهد بود (همان، ص ۲۲۵). در حال حاضر و تا تاریخ ۳۰ نوامبر ۲۰۱۰م. تعداد ۱۵۷ کشور کنوانسیون را امضاء کرده، ۱۶۱ کشور آنرا تصویب یا تایید رسمی کرده و به آن ملحق شده یا از طریق جانشینی تصویب کرده‌اند. ۷۹ کشور موافقت‌نامه ۱۹۹۴م. را امضاء و ۱۴۰ کشور آنرا تصویب، تایید رسمی، امضای قطعی یا از طریق روش ساده به آن ملتزم شده‌اند (پایگاه اینترنتی سازمان ملل متحد <http://www.un.org>). در ایران اولین قانون مناطق دریایی، در ۲۴ تیر ماه ۱۳۱۳ه. ش. (۱۹۳۳م.) تصویب و نحوه حضور کشتی‌های جنگی در مناطق دریایی ایران معلوم شد (۶ مایل عرض دریای سرزمینی) (کاظمی، ۱۳۶۷، ص ۱۸۹). دومین قانون مناطق دریایی ایران که مکمل قانون فوق بود در ۲۲ فروردین ۱۳۳۸ ش (۱۹۵۹م.) تصویب شد و عرض دریای سرزمینی را به ۱۲ مایل گسترش داد (کاظمی، ۱۳۶۸، ص ۱۹۱). سومین و کامل‌ترین قانون دریایی در سال ۱۳۷۲ شمسی (۱۹۹۳م.) در ایران تصویب شده که اکنون ملاک عمل اصلی دولت ایران است (حافظ نیا، ۱۳۸۱، ص ۳۳۷ و ۴۶۸-۴۷۲). عمده‌ترین قوانین ایران در مورد حقوق دریاها همین سه مورد است؛ ولی چند مورد قانون خاص تصویب‌نامه هیات وزیران، و اعلامیه هم وجود دارد که موارد مهم آن عبارتند از:

- نظام نامه (آیین نامه) نحوه حضور و تردد کشتی‌های جنگی در دریای ساحلی ایران مربوط به قانون ۱۳۱۳.
- قانون راجع به اکتشاف و بهره‌برداری از منابع طبیعی فلات قاره ایران، مصوب ۲۸ خرداد ۱۳۳۴.

- تصویبنامه هیات وزیران مربوط به قانون سال ۱۳۳۸ که مسیر خط مبدأ و نقاط عبور خط مبدأ را معلوم کرده و در سال ۱۳۵۲ تصویب شده و در قانون مصوب ۱۳۷۲ ج.ا.ا. هم مورد استناد قرار گرفته است. این خط مبدأ دارای ۲۵ نقطه از دهانه اروندرود تا خلیج گواتر است.
- اعلامیه سال ۱۳۵۲ مربوط به نحوه بهره برداری از منابع زنده ماهی در دریاها که حریم تملک ایران را معلوم کرده است.
- اعلامیه سال ۱۳۵۶ هم اصلاحیه‌ای بر اعلامیه قبلی وارد کرده که حد خارجی منطقه بهره برداری منابع زنده ایران در دریای عمان را معلوم کرده است.

- بررسی وضعیت موجود حاکمیت ایران در خلیج فارس

اولین باری که دولت ایران در مورد حاکمیت خود در خلیج فارس اقدام به قانون گذاری کرد، در سال ۱۳۱۳ ه.ش بود. در این سال قانون تعیین حدود دریای سرزمینی و منطقه نظارت از تصویب قوه مقننه گذشت. تدوین و تصویب این قانون، که شاید ملهم از نتایج نه چندان رضایت بخش اولین کنفرانس حقوق دریاها، در سال ۱۹۳۰، در لاهه بود، حدود حاکمیت ایران در دریای سرزمینی به وسعت ۶ مایل دریایی معین گردید و ۶ مایل دیگر نیز برای اجرای بعضی قوانین و قراردادهای مربوط به امنیت و دفاع مملکت و یا تامین عبور و مرور بحری منطقه نظارت منظور شد. در موارد دیگر این قانون، وضعیت خورها (خلیج های کوچک)، جزایر و شرایط دخول و توقف کشتی های جنگی خارجی در آب های ایران و ترتیباتی برای آنها و همچنین صلاحیت مقام های ایرانی برای رسیدگی و تعقیب جنحه و جنایاتی که در این منطقه واقع می شود، ذکر شده است. طبق پیش بینی که در ماده ۴ قانون مذکور به عمل آمد، نظامنامه مجزایی در مورد عبور و توقف کشتی های جنگی خارجی در بنادر و آب های ایران در ۷ شهریور ۱۳۱۳ از تصویب هیئت وزیران گذشت. تحولات بعد از جنگ جهانی دوم در پهنه دریاها، که در نهایت به تشکیل کنفرانس حقوق دریاها در ژنو، در سال ۱۹۵۸، منجر شد، با وجود آنکه نتیجه قاطعی از نظر تعیین عرض دریای سرزمینی به وجود نیاورد، در هر صورت چند کشور، از جمله ایران را بر آن داشت که با استفاده از روند مسلط جریان گسترش حاکمیت دول ساحلی و تعریض دریای سرزمینی و منطقه نظارت تا ۲۴ مایل، در قانون قبلی تجدید نظر کند.

بدین ترتیب، دولت ایران در ۲۲ فروردین ۱۳۳۸ قانون اصلاح قانون ۲۴ تیر ۱۳۱۳ را از تصویب گذراند. در قانون اصلاحی جدید علاوه بر تعریض دریای سرزمینی به ۱۲ مایل تصریحات دیگری در خصوص حق حاکمیت کشور بر اساس قانون جدید به عمل آمد. قانون اکتشاف و بهره برداری از منابع طبیعی فلات قاره ایران، مورخ ۲۸ خرداد ۱۳۳۴ (ژوئن ۱۹۵۵)، نیز بعد دیگری از حاکمیت اقتصادی ایران بر منابع طبیعی کف و زیر کف دریا در خلیج فارس و دریای عمان افزود. اعلامیه ۸ آبان ۱۳۵۲ دولت در مورد منطقه انحصاری ماهیگیری که حد خارجی آن را در خلیج فارس همان حد خارجی فلات قاره در دریای عمان تا ۵۰ مایلی خط مبدأ دریای سرزمینی اعلام می کرد، به تعیین حدود حاکمیت ایران در آب های جنوب منجر شد (کاظمی، ۱۳۷۴، ص ۴۹-۵۰). در قسمت هایی که هنوز فلات قاره ایران با دیگر کشورها تعیین و تحدید نشده است تا حصول توافق با دیگر دول ساحلی خلیج فارس، حد خارجی منطقه انحصاری ماهیگیری ایران بر اساس اصل پذیرفته در حقوق بین الملل، یعنی خط منصفی که جمیع

نقاط آن از خطوط مبدأ طرف ها به یک فاصله باشد، مبتنی خواهد بود. علت اینکه برای دریای عمان منطقه انحصاری ۵۰ مایل دریایی در نظر گرفته شده این است که فلات قاره این دریا به فاصله کمی با شیب تند پایین می رود. بنابراین به ضابطه فاصله استناد شده و مانند دولت های عمان و پاکستان حد خارجی منطقه ۵۰ مایل اعلام گردیده است. هر گاه منطقه انحصاری ایران با منطقه انحصاری دولت ساحلی تداخل کند، حد بین مناطق انحصاری طرف ها، مادامی که ترتیب دیگری توافق نشده باشد، خطی منصفی خواهد بود که جمیع نقاط آن در خطوط مبدأ طرف ها به یک فاصله باشد (کاظمی، ۱۳۷۴، ص ۱۵۸). سومین قانون دریایی ایران در چارچوب کنوانسیون ۱۹۸۲ و با تقویت حقوق ایران در مناطق دریایی، در تاریخ ۳۱ فروردین ۱۳۷۲ ه.ش به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید و امروزه ملاک تحدید حدود مناطق دریایی ایران در دریای عمان و خلیج فارس محسوب می شود. در این قانون، تصویب نامه مورخ ۱۳۵۱ ه.ش هیات وزیران در خصوص تعیین خط مبدأ ایران که مبنای تعیین حدود سایر مناطق دریایی است، از دهانه فاو تا خلیج گواتر ۲۵ نقطه مشخص دارد که در نقشه علامت گذاری شده است (شکل ۱). نقطه اول در مصب اروندرود و در محل تلاقی خط تالوگ و خط فرضی مستقیم که دو کناره مدخل ورودی رود را به هم متصل می کند، نقطه دوم در ساحل بحرگان، نقطه سوم در جنوب جزیره لارک، نقطه چهارم در جنوب جزیره نخیلو، نقطه پنجم در جنوب جزیره لاوان، نقاط ششم و هفتم در جنوب جزیره کیش، نقطه هشتم در ساحل بندر لنگه و نقطه نهم در جنوب غربی قشم، نقطه دهم در جنوب جزیره هنگام، نقاط یازدهم و دوازدهم در جنوب و شرق جزیره لارک، نقطه سیزدهم در جزیره هرمز و نقطه چهاردهم در جنوب بندر عباس قرار دارند. نقاط پانزدهم به بعد، در ساحل دریای عمان و در انتها الیه پیشرفتگیهای خشکی در آب واقع است و نقطه بیست و پنجم در محل خلیج گواتر، نقطه تلاقی خط جزر با نصف النهار ۶۱ درجه و ۳۷ دقیقه و ۳ ثانیه قرار دارد.



شکل شماره ۱: مرزهای دریایی کشور بر اساس قانون دریایی مصوب ۱۳۷۲

مطابق قانون دریایی ایران (۱۳۷۲)، آب های واقع در میان سواحل و خط مبدأ و نیز جزایری که فاصله آنها کمتر از خط مبدأ است، آب های داخلی محسوب می شود؛ بنابراین آب های بین خشکی ایران و جزایر خارک، لاوان، کیش، قشم، هنگام، لارک و هرمز آب داخلی محسوب می شوند. همچنین طبق قانون یاده شده، عرض دریای سرزمینی ایران ۱۲ مایل از خط مبدأ به سمت داخل آنها است. جزایر متعلق به ایران اعم از اینکه داخل و یا خارج دریای سرزمینی باشند، طبق این قانون دارای دریای سرزمینی مخصوص به خود هستند. بر این اساس دریای سرزمینی ایران منطقه وسیعی از خلیج فارس را شامل می شود و در منطقه جزایر فارور، تنب و ابوموسی تا اعماق خلیج فارس گسترش می یابد. در این منطقه که در حوزه صلاحیت و حاکمیت ایران است، شناورهای خارجی تنها حق عبور بی ضرر (پیوسته و سریع) دارند. نکته قابل ذکر این است که طبق ماده ۳ قانون مناطق دریایی ایران مصوب ۱۳۷۲ آبهای واقع میان خط مبدأ دریای سرزمینی و قلمرو خشکی، همچنین آبهای واقع میان جزایر متعلق به ایران که فاصله آنها از یکدیگر از دو برابر دریای سرزمینی تجاوز نکند، جزو آبهای داخلی و تحت حاکمیت جمهوری اسلامی ایران محسوب می شوند. در قسمت دوم این قانون، در خصوص آب های بین جزایر دارای فاصله کمتر از دو برابر عرض دریای سرزمینی، ابهام وجود دارد، همچنین با مفاد ماده ۲ قانون مناطق دریایی در تضاد است. این ابهام و تضاد مشکلاتی را در تفسیر رفتاری ایجاد خواهد کرد. علاوه بر این چون فاصله جزایر سیری و ابوموسی در مسیر غرب به شرق و نیز فاصله جزایر تنب کوچک و بنی فرور بیش از ۲۴ مایل دریایی است (نقشه ۱)، شکافی از آبهای آزاد دریانوردی بین آنها به وجود می آید که ممکن است شناورهای بیگانه با مقاصد سوء از آن بهره برداری کنند و این قوانین را مستمسک خود قرار دهند (حافظ نیا، ۱۳۸۷، ص ۳۳۷-۳۳۸). در ماورای منطقه دریای سرزمینی، منطقه نظارت و منطقه انحصاری اقتصادی قرار دارد. درباره منطقه نظارت به عرض ۱۲ مایل در ماورای دریای سرزمینی، مساله خاصی وجود ندارد؛ ولی امکان گسترش منطقه انحصاری - اقتصادی و همچنین فلات قاره تا حد ۲۰۰ مایل در قلمرو خلیج فارس به دلیل محدودیت عرض خلیج وجود ندارد. از این رو دولت های منطقه ناگزیر از تعیین مرز فلات قاره و منطقه انحصاری - اقتصادی فی مابین بر اساس خط منصف بوده اند و این امر در سال های گذشته بین ایران و چند کشور منطقه انجام گرفته و تثبیت شده است؛ ولی محدوده آن در برخی از کشورها هنوز در وضعیت بلا تکلیفی به سر می برد. مرزهای دریایی ایران در دهه هفتاد قرن بیست که ایران از اقتدار در خلیج فارس برخوردار بود، با کشورهای زیر تعیین و تثبیت شده است.



شکل شماره ۲: مرزهای دریایی تعیین شده ایران با کشورهای خلیج فارس

۱- یافته های تحقیق

۱- جستاری در حاکمیت عینی ایران، قوانین تعیین مرزهای ایران

با مروری بر مفاد کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها که آخرین سند جامع از قوانین مدون حقوق دریاهاست، تنوع و گستردگی عرصه های شناسایی شده را نشان می دهد. بدیهی است که اولین سوال قابل طرح در این خصوص نحوه تعیین و مرز بندی هر یک از این عرصه ها است. این مسئله از آن جهت اهمیت دارد که تعیین هر ضابطه و معیاری در تحدید حدود عرصه های مذکور و قابل شناسایی در کنوانسیون می تواند موجب تداخل و هم پوشانی صلاحیت های دول مجاور و مقابل و اقامه ادعاهای متقابل از سوی آن ها گردد. لذا نکته اصلی بحث در این جا است که تحدید حدود و مرزهای مطلوب ایران تا چه حد به حاکمیت مطلوب ایران در ابعاد مختلف در خلیج فارس و دریای عمان کمک می نماید. تحدید حدود عرصه های دریایی برای اعمال حاکمیت بین دول مجاور و متقابل در خلیج فارس در موارد معدودی از طریق صدور اعلامیه های یک جانبه صورت گرفته است، اما اکثراً از طریق عقد موافقتنامه های تحدید حدود میان دولت های ساحلی صورت گرفته است (چرچیل، ۱۳۶۷، ص ۲۳۱).

برخی توافق های انجام شده بین دول حاشیه خلیج فارس در راستای حل و فصل اختلافات حاکمیتی و تحدید حدود عرصه های دریایی بین آنهاست. موارد منحصر به فردی هستند که از طرق خاص به نتیجه رسیده اند، برای مثال می توان به دعوی دبی/شارجه اشاره نمود که توسط دیوان داوروری مورد رسیدگی واقع شد. همچنین رجوع قطر/بحرین به دیوان، صدور حکم دیوان در ۲۰۰۱ منجر به حل و فصل دعوی حاکمیتی و تحدید حدود کلیه عرصه های دریایی بین این دولت ها گردید و نیز تحدید حدود جهت اعمال حاکمیت بین دولت های عراق و کویت که عملیات تعیین حدود و اجرای آن توسط کمیسیون

علامت گذاری سازمان ملل صورت گرفته است. همان گونه که پیشتر اشاره شد خلیج فارس، طبق تعریف مذکور در ماده ۱۲۱ کنوانسیون حقوق دریاها ۱۹۸۲ در زمره دریاهای نیمه بسته قرار دارد. همه دول حاشیه خلیج فارس کنوانسیون حقوق دریاها را با امضاء رسانده‌اند، البته بحرین و عراق و کویت آن را به تصویب رسانده‌اند. ج.ا.ایران نیز برای تعیین و تحدید مرزهای دریایی خود در خلیج فارس قوانینی را در سال های مختلف به تصویب رسانده است که در زیر به تحلیل نقاط قوت و ضعف آن ها برای درک جامع تری نسبت به موضوع حاکمیت مطلوب ج.ا. می پردازیم. همچنین در ادامه این گفتار به سایر توافقات و معاهدات ایران با سایر کشورهای خلیج فارس پرداخته می شود که جهت تعیین حاکمیت مطلوب ایران در عرصه دریایی خلیج فارس و دریای عمان برای اقدامات آینده کارساز خواهد بود. ضرورت اصلاح قانون حدود دریای سرزمین و منطقه نظارت ایران و وجود افتراق و اشتراک در قوانین مربوط به دریای سرزمینی و منطقه نظارت ایران مصوب سال های ۱۳۱۳ و ۱۳۳۸، ۱۳۷۲ ایراداتی به شرح زیر وارد است:

- ۱) در قوانین ایران فقط از عبور بی ضرر و شرایط عبور کشتی های جنگی و زیردریایی صحبت شده است، به طور کلی در این قوانین به کشتی های تجاری و کشتی های دولتی غیرجنگی و همچنین از اعمال صلاحیت جزایی و مدنی ایران نسبت به این کشتی ها مطلبی عنوان نگردیده است.
- ۲) به موجب ماده ۸ اصلاح قانون دریای سرزمینی مصوب ۱۳۳۸، آن قسمت از موارد قانون ۱۳۱۳ که با قانون ۱۳۳۸ مغایرت ندارد کماکان معتبر است، بنابراین چون در قانون ۱۳۳۸ صحبتی از عرض منطقه نظارت نشده است همان عرض ۱۲ مایل یاد شده در قانون ۱۳۱۳ باید به قوت خود باقی بماند.
- ۳) در قانون مصوب سال ۱۳۱۳ دریای سرزمینی را آب های ساحلی قلمداد کرده و میزان آن را ۶ مایل در نظر گرفته است که بر خلاف قانون مصوب ۱۳۳۸ و ۱۳۷۲ معادل ۱۲ مایل دریایی است البته در قانون سال ۱۳۳۸ دریای ساحلی ذکر نگردیده که در قانون ۱۳۷۲ به دریای سرزمینی تغییر یافته است.
- ۴) ماده سوم قانون ۱۳۱۳ و ماده پنجم قانون ۱۳۳۸ و ماده ۲ قانون ۱۳۷۲ برای جزایری که در محدوده دریای سرزمینی قرار گرفته اند، با این حال حقوق و قوانین حاکم بر دریای سرزمینی برای این جزایر دایر است.
- ۵) از نقاط تفاوت قانون ۱۳۷۲ نسبت به قوانین سال ۱۳۱۳ و ۱۳۲۸ در مورد عبور و مرور شناورها و کشتی های جنگی و تجاری و مسافرتی است که بر اساس آن قوانین حاکمیت ایران در دریای سرزمینی را مشمول آن ها می نماید، که در قوانین مصوب ۱۳۱۳ و ۱۳۲۸ یا اشاره ای نشده و یا فقط به کشتی های جنگی اشاره گردیده است. البته لازم به ذکر است در قانون مصوب ۱۳۷۲ موارد عبور بی ضرر کاملاً ذکر گردیده و مقررات جزایی و مدنی آن ذکر گردیده است که در دو قانون قبلی اشاره ای به آن نشده است.

۶) از دیگر موارد قابل توجه می‌توان به ماده ۴ قانون تصویب ۱۳۷۲ و ماده ۴ قانون مصوب ۱۳۳۸ اشاره نمود که هر دو قانون به تحدید حدود دریای سرزمینی در صورت تداخل با دریای سرزمینی کشور دیگر با روش خط منصف است که در قانون ۱۳۱۳ به آن اشاره ای نگشته است.

۷) در ماده اول قانون مصوب ۱۳۱۳ به منطقه نظارت دریایی اشاره گردیده است که متأسفانه به میزان حاکمیت و صلاحیت دولت ایران در این منطقه اشاره ای نشده است، در قانون مصوب ۱۳۳۸ به این تفکیک اصلاً اشاره ای نشده ولی در قانون مصوب ۱۳۷۲ به منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره و بر لزوم تفکیک و تحدید آن با سایر کشورها ساحلی همسایه اشاره شده است، ولی متأسفانه در زمینه تحدید حدود و افزار مرزهای دریایی در منطقه انحصاری و فلات قاره ج.ا.ایران در قوانین مصوب خود نتوانسته است میزان حاکمیت و صلاحیت خود را با طرفین مشخص نماید و در این قوانین آن را به منوط توافق طرفین و یا در صورت عدم توافق منطبق بر خطی که مرزهای دریایی را تعریف نموده است، که کلیه نقاط از نزدیک ترین خطوط مبدا طرفین به یک فاصله باشد.

۸) از جمله مواد وجوه افتراقی می‌توان به ماده ۲۱ و ۲۲ قانون مصوب ۱۳۷۲ در قیاس با سال ۱۳۱۳ و ۱۳۳۸ اشاره نمود که در آن حق تعقیب فوری و آیین نامه های اجرایی توسط هیات وزیران را مورد اشاره قرار داده است که در دو قانون قبلی به آن اشاره های نشده است.

۹) در فصل دوم قانون مصوب ۱۳۷۲ منطقه نظارت و فصل سوم منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره مورد بررسی قرار گرفته است، و قوانینی در زمینه آن در این قانون به تصویب رسیده است، که در صورتی لازم الاجراست که با کشورهای همسایه ساحلی و طبق قوانین بین المللی مشخص گردد، تا توانایی اجرایی پیدا کنند که البته این خود از وجوه افتراق با قوانین مصوب سال ۱۳۳۸ و ۱۳۱۳ می باشد.

۱۰) ماده ۲ و ۳ قانون مناطق دریایی، مغایر یکدیگر هستند. در ماده ۲، هر کدام از جزایر دارای دریای سرزمینی هستند؛ در ماده ۳ تصریح شده است که آب‌های بین جزایر که فاصله کمتر از ۲۴ مایل دریایی دارند، جزء آب‌های داخلی محسوب می‌شوند. با این توضیح آب‌های سرزمینی و آب‌های داخلی با یکدیگر تداخل دارند؛ در حالی که نظام حقوقی آب‌های داخلی و آب‌های سرزمینی متفاوت از هم می‌باشد. این نکته را هم باید در نظر گرفت که آب‌های بین جزایر در ورودی خلیج فارس جزء آبراه بین‌المللی محسوب می‌شوند و تمامی شناورها اعم از تجاری و نظامی از منطقه طرح تفکیک تردد عبور می‌کنند.

با توجه به اینکه در قسمت‌های از دریای عمان، مناطق دریایی ایران با کشورهای همجوار تداخل ندارد. حدود منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره در این منطقه دریایی تعیین نشده است. همچنین از جمله ظرفیت های اعمال نشده در قوانین و حقوق دریایی ج.ا.ای می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

الف- وضعیت حقوقی تنگه هرمز به عنوان آبراه بین المللی مشخص نشده است.

بر خلاف دیگر مرزهای دریایی تعیین شده در خلیج فارس، در تنگه هرمز همه جزایر ایرانی و عمانی مورد توجه قرار گرفته و خط کرانه دو کشور از خط کرانه جزایر دو کشور در شمال و جنوب محاسبه شد. به این دلیل و به

خاطر رعایت ۱۲ مایل دریای سرزمینی این جزیره، به ویژه جزیره ایرانی لارک، تداخل یاد شده پیش آمد و محاسبه حد میانه این تداخل سبب انحنای بخش یاد شده از این مرز گردید. نقطه پایانی هر سمت پس از تحدید حدود امارات/ عمان در غرب خلیج و نیز در شرق آن تعیین خواهد شد. مدت کوتاهی پس از عقد قرارداد مرزی ایران و عمان اکتشافات مهم نفت و گاز در تنگه هرمز در نزدیکی مرز فی ما بین در منطقه هنگام صورت گرفت، لازم به ذکر است که دو کشور پیش از عقد قرارداد مرزی اقدام به صدور اعلامیه های مشترک جهت امنیت و حصول اطمینان از آزادی عبور در تنگه هرمز را صادر نموده بودند. (نامی و محمد پور، ۱۳۸۹، ص ۴۷).

- ب- نحوه اعمال صلاحیت قضایی در مناطق دریایی، تشریح نشده است.
- ج- ضوابط زیست محیطی فعالیت دریایی مشخص نشده است.
- د- آئین نامه های اجرایی مورد نظر قانون گذاری، تصویب نشده است.

- نتیجه گیری و جمع بندی

الف) رفع کاستی های قانون مناطق دریایی ج.ا.ایران (۱۳۷۲)

۱) ماده ۲ و ۳ قانون مناطق دریایی، مغایر یکدیگر هستند. در ماده ۲، هر کدام از جزایر دارای دریای سرزمینی هستند؛ در ماده ۳ تصریح شده است که آبهای بین جزایر که فاصله کمتر از ۲۴ مایل دریایی دارند، جزء آبهای داخلی محسوب می شوند. با این توضیح آبهای سرزمینی و آبهای داخلی با یکدیگر تداخل دارند؛ در حالی که نظام حقوقی آبهای داخلی و آبهای سرزمینی متفاوت از هم می باشد. این نکته را هم باید در نظر گرفت که آبهای بین جزایر در ورودی خلیج فارس جزء آبراه بین المللی محسوب می شوند و تمامی شناورها اعم از تجاری و نظامی از منطقه طرح تفکیک تردد عبور می کنند (احمدی دهکاء، ۱۳۹۱، ص ۱۱).

حدود منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره تعیین نشده است. با توجه به اینکه در قسمت های از دریای عمان، مناطق دریایی ایران با کشورهای همجوار تداخل ندارد. ایران در این منطقه از لحاظ پتانسیل ارتباطی دارای حوزه- های زیر است: حمل و نقل دریایی- حمل و نقل جاده ای، حمل و نقل ریلی، ارتباطات هوایی، ارتباطات شبکه انتقال نفت و گاز (پورمهرانی، ۱۳۸۹، ص ۲۰۵).

۲) وضعیت حقوقی تنگه هرمز به عنوان آبراه بین المللی مشخص نشده است.

ب) توجه به ظرفیت های اعمال نشده قانون مناطق دریایی ج.ا.ایران (۱۳۷۲)

۱) نحوه اعمال صلاحیت قضایی در مناطق دریایی، تشریح نشده است.

۲) ضوابط زیست محیطی فعالیت دریایی مشخص نشده است.

۳) آئین نامه های اجرایی مورد نظر ماده ۲۲ قانون مناطق دریایی ایران (۱۳۷۲)، تصویب نشده است.

به طور کلی دلایل و موانع اصلی در تحدید حدود کشورهای خلیج فارس عبارتند از: جزایر، حوزه‌های نفتی، دوری و نزدیکی به سواحل، جزایر نزدیک سواحل و چالش‌های حاکمیتی ایران و عراق ناشی از وضع نامناسب جغرافیایی است. چالش‌های حاکمیتی ایران و کویت نیز ناشی عدم توافق در مورد خطوط مبداء طرفین، وجود حوزه نفتی آرش، وقوع انقلاب ایران و جنگ تحمیلی، استقبال کویت از حضور نیروهای فرامنطقه‌ای برای اسکورت نفت کشتها است و همچنین روابط کویت با عربستان و عراق که ناشی از ترس کویت از ادعای عراق و مخالفت عراق با تحدید حدود ایران و کویت بر عدم تحدید حدود مرزی دو کشور تاثیر گذاشته است.

چالش‌های حاکمیتی ایران و امارات متحده عربی نیز متأثر از ادعای امارات بر سر جزایر سه گانه، حوزه های نفتی و گازی مشترک (سلمان، مبارک و نصرت)، وجود مرز دریایی امارات در دریای عمان و خلیج فارس با ایران، اختلافات سیاسی و ایدئولوژیک دو کشور در طی سه دهه و روابط ویژه این کشور در طول جنگ تحمیلی با عراق و عربستان است. پس از رفع اختلاف حاکمیتی بر جزیره ابوموسی می‌توان نسبت به تحدید حدود فلات قاره بین دو دولت اقدام نمود. (ممتاز، ۱۳۷۶، ص ۲۳۵).

منابع:

- ۱- احمدی دهکاء، فریبرز، نامی، محمد حسن، ۱۳۹۱، بررسی چالش‌های حاکمیتی ایران در خلیج فارس و دریای عمان، پنجمین کنگره انجمن ژئوپلیتیک ایران، مجموعه مقالات، جلد دوم، رشت.
- ۲- پایگاه اینترنتی سازمان ملل متحد.
- ۳- پورمهرانی، مهران، ۱۳۸۹، چالش‌های ژئوپلیتیکی ایران در مرزهای پیرامونی، نشر نوآور، تهران.
- ۴- حافظ نیا، محمدرضا، ۱۳۸۷، جغرافیای سیاسی ایران، انتشارات سمت، تهران.
- ۵- حافظ نیا، محمدرضا، ۱۳۸۴، خلیج فارس و نقش استراتژیک تنگه هرمز، چاپ دوم، انتشارات سمت، تهران.
- ۶- چرچیل لو، الن، رابین، ۱۳۷۶، حقوق بین الملل دریاها، ترجمه: بهمن آقایی، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه، تهران.
- ۷- سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، ۱۳۸۲، جغرافیای جزایر ایرانی خلیج فارس (قشم، لارک، هرمز، هنگام) انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح ایران، تهران.
- ۸- ضیائی بیگدلی، محمدرضا، ۱۳۸۱، حقوق بین الملل عمومی، انتشارات کتابخانه گنج دانش، تهران.
- ۹- کاظمی، سیدعلی اصغر، ۱۳۷۴، ابعاد حقوقی حاکمیت ایران در خلیج فارس، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه، تهران.
- ۱۰- کاظمی، سید علی اصغر، ۱۳۶۶، پرواز بر فراز مناطق مختلف دریایی در کنوانسیون جدید حقوق دریاها، مجله سیاست خارجی، سال اول، شماره ۳، انتشارات وزارت امور خارجه، تهران.

- ۱۱- مانتانو، آنیک دومارفی، ۱۳۷۹، چارچوب اجرایی موافقتنامه مربوط به اجرای کنوانسیون ۱۹۸۲ سازمان ملل درباره حقوق دریاها، ترجمه سید فضل الله موسوی فصلنامه حقوقی بین المللی، شماره ۲۵، انتشارات وزارت امور خارجه، تهران.
- ۱۲- مقتدر، هوشنگ، ۱۳۷۷، حقوق بین الملل عمومی، انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین الملل وزارت امور خارجه، تهران.
- ۱۳- ممتاز، جمشید، ۱۳۷۶، ایران و حقوق بین الملل، نشر دادگستر، تهران.
- ۱۴- نامی، محمد حسن و محمد پور، علی، ۱۳۸۹، جغرافیای سیاسی و حقوق آب های ایران، خلیج فارس، دریای عمان، دریای خزر، انتشارات زیتون سبز، تهران.
- 15- Glassner, M. I., 1993, Political Geography, John Wiley&Sons, New York.





پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی